

مو طلایی آمریکایی، کلیددار جدید کاخ سفید

صبح روز گذشته خبری منتشر شد که تمامی دنیا به آن واکنش نشان دادند؛ این واکنش توأم با بهت و شگفتی بود و آن پیروزی «دونالد جی ترامپ» نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود؛ رویدادی که بسیاری از نظرسنجی‌ها و رسانه‌ها آن را تأیید نمی‌کردند.



صبح روز گذشته خبری منتشر شد که تمامی دنیا به آن واکنش نشان دادند؛ این واکنش توأم با بهت و شگفتی بود و آن پیروزی «دونالد جی ترامپ» نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود؛ رویدادی که بسیاری از نظرسنجی‌ها و رسانه‌ها آن را تأیید نمی‌کردند.

اما سوال بزرگی که سه شنبه بزرگ آن را برای همگان مطرح کرد، این بود که چه شد ترامپ با این همه هجمه تبلیغاتی رسانه‌ها علیه‌اش، بدون تجربه سیاسی، بدون مقبولیت ریش سفیدان حزبی، با حرف‌های جنجالی و با آن سابقه اخلاقی توانست در انتخابات قدرتمندترین کشور جهان پیروز شود. برای پاسخ به این پرسش باید به هشت سال عقب تر بازگردیم، زمانی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا با شعار «تغییر» زمام امور این کشور را به دست گرفت. مارک وبر، مدیر سابق مؤسسه بازنگری تاریخی در این باره به روزنامه جام‌جم می‌گوید: زمانی که اوباما وارد کاخ سفید شد، بارقه‌ای از امید در دل خیل عظیمی از آمریکایی‌ها درخشید و آنها بر این باور بودند اوباما که خود طعم تلخ تبعیض و تا حدودی فقر را چشیده، شاید بتواند این افراد را که طیف وسیعی از مردم آمریکا بودند از این وضعیت نجات دهد، اما آنها بعد از هشت سال می‌بینند آنچه که تغییر یافته نه وضعیت‌شان بلکه موی سپید اوباماست که از سیاهی به خاکستری گراییده است.

در عین حال تحلیلگران در آمریکا بر این باورند که سیاست‌های اوباما در هشت سال گذشته یک عامل بوده، اما عامل تمام‌کننده برای وضعیت امروزی نبود زیرا که اوباما تلاش خود را کرد، اما نتوانست آن قالب‌های حزبی را که در این کشور حاکم بود بشکند، زیرا که اوباما خود محصول حزبی بود که به این قواعد معتقد بود. اوباما فقط شعار «تغییر» می‌داد آن هم نه در استراتژی بلکه در برخی مسائل اجتماعی از جمله مسائل بهداشتی و درمانی بود که مردم به این میزان تغییرات قانع نبودند.

پیروزی ترامپ محصول قاب‌بندی دموکرات‌ها

یکی دیگر از دلایلی که ترامپ را در این نبرد پیروز میدان کرد، سیستم ناکارآمد انتخابات درون حزبی آمریکا بود. بر همگان در این انتخابات محرز شد که «برنی سندرز» نامزد دیگر دموکرات‌ها یکی از پرتطرفدارترین نامزدهای انتخاباتی درون‌حزبی بود. وی می‌توانست رقیب بسیار قدرتمندی در برابر ترامپ باشد، اما تلاش حزب برای معرفی هیلاری کلinton این معادله را بر هم زد و موجب تضعیف دموکرات‌ها شد. سندرز همان شعاری را می‌داد که ترامپ می‌داد، اما رویکرد حزب سبب شد تا این اتفاق نیفتد.

دکتر حسین دهشیر در این باره به جام‌جم می‌گوید: برنی سندرز، سوسیالیست و سناتور 75 ساله ایالت ورمونت در جایگاه قهرمان لیبرال‌ها و فعالان دموکرات در انتخابات درون‌حزبی قرار گرفت و کاندیدای مورد حمایت دستگاه حزبی و چهره‌های معناساز ارزشی حزب به طور جدی مورد تهدید قرار گرفت. در نهایت رهبران حزبی با استفاده از مکانیزم‌های انتخاباتی، بسیج حامیان مالی قدرتمند دموکرات و به‌کارگیری نفوذ رسانه‌ای گسترده موفق شدند سندرز محبوب گروه‌های اصلی طرفدار حزب یعنی جوان‌ها، زنان و تحصیل‌کردگان را از گردونه خارج سازند و کلinton کاندیدایی را در جایگاه پرچمدار حزب قرار دادند و همین مساله شکستی سنگین بر نامزد نهایی دموکرات‌ها به دنبال داشت.

برگزیت آمریکایی

پیروزی ترامپ در آمریکا را می‌توان با خروج بهت‌آور انگلیس از اتحادیه اروپا که از آن به برگزیت یاد شد نیز مقایسه کرد. بهت‌آور از آن جهت که در آن مورد هم تمامی نظرسنجی‌ها حکایت از آن داشت که رای‌دهندگان بیشتری در انگلیس به ماندن این کشور در اتحادیه رای دهند، اما چنین نشد. در انتخابات آمریکا هم چنین احتمالی می‌رفت و نظر سنجی‌ها هم همین را می‌گفت، اما اتفاقات به‌گونه دیگری رقم خورد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای انتخاب دونالد ترامپ را می‌توان عمیق‌تر شدن شکاف‌های اجتماعی در آمریکا دانست. بلافاصله پس از این انتخابات بود که نمودهای عینی این شکاف در شبکه‌های اجتماعی نمودار شد. هشتگ «کلگزیت» (خروج کالیفرنیا از سیستم فدرالی آمریکا) از موضوعاتی بود که بسرعت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیچید. استفاده‌کنندگان این هشتگ که کالیفرنایی هستند با استفاده از این پویش اعلام داشتند که این ایالت به عنوان مرفه‌ترین ایالت آمریکا نمی‌تواند تحت ریاست دونالد ترامپ در سیستم فدرالی آمریکا بماند.

همچنین با اعلام پیروزی ترامپ، وبسایت اداره مهاجرت کانادا هم از کار افتاد. کانادا کشوری است که پیشتر برخی از افراد سرشناس در آمریکا از جمله چند هنرپیشه هالیوود اعلام کرده بودند که در صورت پیروزی ترامپ برای مدت چهار تا هشت سال به آنجا مهاجرت خواهند کرد.

آنچه که می‌توان از تمامی تحولات نتیجه گرفت، برآیند انتخابات آمریکا؛ حاصل خستگی شهروندان عادی از انحصار سیاسی، یکنواختی در سیاست‌های دو حزب، بی‌اعتنایی به منافع عامه، تمایل مردم به تغییرات واقعی، خشم مردم از انحصار رسانه‌ای و جریان اصلی رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی در آمریکا و رشد فقر، بیکاری و مشکلات عدیده اقتصادی است و آنچه که سبب حضور ترامپ به‌عنوان کلیددار «اتاق بیضی‌شکل» شد، حمله او به ساختارهای سیاسی، فاسد نامیدن

سیاست و سیاسیون آمریکا، حمله به لابی‌ها و موفقیت‌های وی به عنوان یک بازرگان بود که این تصور را در اقلشار عامه ایجاد کرد که اگر اوبامای سیاه نتوانست تغییراتی بنیادین در زندگی آنها بدهد، شاید ترامپ بلوند و مطرود حزب بتواند این تغییرات را ایجاد کند.